

شخصیت‌پردازی در رمان «برخورد» دانیل استیل

ریحانه نامی شریف آباد*

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۴

رضا اشرف زاده**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۷

چکیده

آشنایی و ارتباط ملت‌های مختلف و شناخت ادبیات آن‌ها همواره بستری مناسب برای ایجاد تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی بوده. نویسندگانی که خود را جزئی از مردم، و حرکات‌های اجتماعی و فرهنگی می‌دانند با ثبت این تحولات و تعاملات فرهنگی و اجتماعی، باعث رشد و شکوفایی ادبیات و هویت فرهنگی ملت‌ها می‌شوند. از آنجا که ادبیات داستانی و شخصیت‌پردازی، از زمینه‌های جالب توجه و مهم در عرصه پژوهش است، اساس داستان بدون شخصیت را نمی‌توان تصور کرد. بی‌شک یکی از عناصر مهم و کلیدی که در داستان نویسی امروز بسیار حائز اهمیت است و تعیین‌کننده در شکل و روند داستان می‌تواند باشد، شخصیت و شخصیت‌پردازی است. شخصیت در اثر نمایشی و روایتی فردی است که تمام کیفیت‌های روانی و اخلاقی او در قول و فعل باید وجود داشته باشد. در این پژوهش، نگارنده به بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در کتاب «برخورد» دانیل استیل پرداخته است. مواردی از قبیل چگونگی توصیف شخصیت‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، ساده و جامع بودن، پروتپ‌ها، شاخصه‌های درونی و شاخصه‌های بیرونی و...؛ پس از استخراج مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در پایان برای سهولت در درک شخصیت‌های موجود در داستان جداولی ارائه شده است. روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری می‌باشد.

کلیدواژه‌گان: داستان، شخصیت‌پردازی، برخورد، دانیل استیل.

مقدمه

ادبیات داستانی از شاخه‌های جذاب ادبیات معاصر است که امروزه به جهت نوع مضامین‌اش مورد توجه بسیاری از پژوهش‌گران و ادب‌دوستان واقع شده است. داستان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین انواع ادبی قلمداد می‌شود که تحقیق و غور در ساختار و محتوای آن اهمیت فراوانی دارد. بررسی و تحلیل اصول و شگردهای داستان نویسی و کیفیت کاربرد عناصر سازنده داستان موجب می‌گردد که خواننده دلایل اصلی التذاد خود را از متن بفهمد و به معانی تلویحی و محتوای داستان پی ببرد و نقایص و کاستی‌های آن را دریابد. شخصیت‌ها در داستان عناصری هستند که صحنه‌های مختلف را با کنش و رفتار خود پیش می‌برند و با ایجاد حوادث در بستر زمان و مکان، موضوع اصلی داستان را در راستای درونمایه و مضمون مورد نظر نویسنده دنبال می‌کنند.

«در اهمیت شخصیت پردازی همین بس که بنیاد اغلب رمان‌های موفق و معتبر بر شخصیت پردازی آن‌ها گذاشته شده و شخصیت‌های آن‌هاست که به رمان ارزش و اعتبار می‌دهد. عموماً بر این عقیده‌اند که در شاهکارهای ادبی، حوادث به طور منطقی از تقابل خلیقات داستان به وجود می‌آیند، بنابراین هدف اصلی بسیاری از داستان‌ها نشان دادن خصلت و طبیعت شخصیت‌هاست» (میرصادقی، ۱۳۹۲: ۸۶).

«شخصیت‌ها بار اصلی داستان را بر دوش می‌کشند با کنش‌ها، دیالوگ‌ها و تک‌گویی‌های آن‌هاست که خودشان ساخته می‌شوند و هم روایت پیش می‌رود» (بی‌نیاز، ۱۳۹۲: ۷۰). / ایرانی گستردگی حوزه کار شخصیت را خاطر نشان کرده و می‌گوید: «شخصیت به کسی گفته می‌شود که در جهان داستان خواه اسطوره و حماسه و رمانس و رمان و خواه نمایش و فیلم سینمایی و نظیر این‌ها حضور دارد و نقش اصلی یا فرعی ایفا می‌کند» (ایرانی، ۱۳۸۰: ۵۹۰).

سوالات پژوهش

۱. تیپ‌های شخصیتی در رمان «برخورد» دانیل استیل به چه صورت است؟
۲. دانیل استیل بیش‌تر از چه شیوه شخصیت پردازی در رمان خود مدد گرفته است؟
۳. توصیف شخصیت‌ها در رمان این نویسنده بزرگ به چه صورت است؟

روش اجرای پژوهش

روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای است که پس از مطالعه دقیق متن اصلی مورد نظر و بررسی شخصیت‌ها، اطلاعات کارآمد استخراج و سپس به صورت جدا جدا تحلیل شده است. از طرف دیگر به نظریه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان بزرگ در زمینه شخصیت‌پردازی نظری انداخته و با جمع‌آوری اطلاعات مربوط به مبانی نظری در حوزه ادبیات و تحقیق از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای، مانند کتاب، مقالات، و مطالعه موردی به تحلیل کامل این موضوع از ابعاد مختلف می‌پردازیم. با توجه به استفاده از روش کتابخانه‌ای در این پژوهش پس از فیش برداری و دسته‌بندی فیش‌ها به تجزیه و تحلیل در اثر «برخورد» دانیل استیل پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به مطالعات انجام‌شده و بررسی‌های صورت‌گرفته تا کنون هیچ‌گونه پژوهشی درباره آثار *دانیل استیل* صورت‌نپذیرفته است؛ و تنها منابع یاری بخش در انجام این مقاله کتاب‌های عناصر داستانی میرصادقی و کتاب‌های دیگر نویسندگان بزرگ در حوزه ادبیات داستانی می‌باشد.

خلاصه داستان برخورد

رمان «برخورد» اثر *دانیل استیل* درباره زندگی مردی فرانسوی است که به عنوان سفیر به کشور آمریکا رفته و در آنجا همسر خود را از دست می‌دهد و عاشق دختر جوانی به نام لین می‌شود. لین بسیار از خودش کوچک‌تر است. او دختر پرتلاش و متواضعی است. لین با توجه به زندگی‌ای که به تنهایی با پدر خود داشته با روحیات منحصر به فردی بار آمده است. روحیات و خلق و خوی او خوهایی که در کم‌تر دختری در این سن می‌توان یافت. از این رو عنصر عشق به طور قوی در وجود هر دوی آن‌ها ریشه می‌دواند تا آنجا که با توجه به اختلاف سنی زیاد با یکدیگر ازدواج می‌کنند. پس از ازدواج او زمزمه‌های درگیری و جنگ آلمان‌ها با فرانسه را می‌شنود و آن را خطر بسیار نزدیک می‌داند. در حالی که بسیاری از سیاستمداران آن را امری ضعیف قلمداد می‌کنند و

نسبت به این موضوع اهمیت نشان نمی‌دهند. با آغاز جنگ فرانسه و آلمان "آرماند" همراه خانواده به کشورش باز می‌گردد تا از وطن خود در برابر تهاجمات بیگانه دفاع کند. در هنگام بازگشت در کشتی که با آن به فرانسه سفر می‌کردند به خانواده نیک برنهام که از متمولین آمریکایی هستند و در صنعت فولاد نقش بسزایی دارند آشنا می‌شود و متوجه اختلاف نیک با همسر عیاش و خوشگذران‌اش می‌شود و از اینکه نیک از داشتن چنین همسری شرمگین و ناراحت است بسیار متأثر می‌شود. برخوردهای آن‌ها در کشتی باعث آشنایی بیشترشان با هم می‌شود. لین چندین بار دیگر در فرانسه با نیک به طور اتفاقی برخورد می‌کند و متوجه می‌شود که هنوز همسرش دست از فساد اخلاقی خود بر نداشته و این امر برای لین بسیار ناراحت کننده است. زیرا او نیک را مردی شریف و نجیب و دارای اخلاق اشرافی می‌بیند.

با شدت درگیری میان آلمان و فرانسه، آرماند همسر و فرزندان خود را بر خلاف میل آن‌ها به آمریکا می‌فرستد و خود به صورت جاسوس در میان آلمان‌ها نفوذ می‌کند و به کشور فرانسه خدمت می‌کند. هیچ کس جز لین از این موضوع آگاهی ندارد. لین به همراه فرزندان‌اش نزد عموی خود بازمی‌گردد و از طریق روزنامه‌ها متوجه می‌شود که نیک برنهام از همسرش طلاق گرفته است و از اینکه بالأخره نیک زندگی آرامی پیدا کرده خوشحال می‌شود. پس از مدتی خبر می‌رسد آرماند لو رفته و توسط نیروهای آلمانی کشته شده است. این خبر برای لین بسیار ناراحت کننده بود چراکه دیوانه‌وار عاشق همسر خود بود. عمو جرج از لین می‌خواهد هرچه زودتر زندگی خود را که به آشفتنگی دچار شده جمع کنند تا بچه‌ها کم‌تر آسیب ببینند، و از او می‌خواهد درباره نیک بیش‌تر فکر کند. لین متوجه علاقه نیک به خودش شده بود. از این رو پس از پشت سر گذاشتن اتفاقات و حوادث فراوان با نیک برنهام ازدواج می‌کند.

بررسی عنصر شخصیت در داستان برخورد

نویسنده در داستان «برخورد» از شخصیت‌های مختلف با انواع رفتارها و کنش‌های متفاوت استفاده کرده است. در رمان «برخورد» ما دو نوع شخصیت را می‌توانیم به طور واضح مشاهده کنیم: یک دست شخصیت‌های اصلی می‌باشند که غالباً همه آن‌ها پویا هستند و دائم در طول داستان در حال تغییر و جنب و جوش می‌باشند. به طوری که در

قالب کلیشه قرار نمی‌گیرند؛ مانند لین، نیک و آرماند. دسته دوم افرادی هستند که شخصیت‌های فرعی داستان را تشکیل می‌دهند. این افراد عمدتاً افرادی ایستا هستند چون حاضر به تجربه موقعیت‌های تازه نیستند و از افکار بسته و محدود خود خارج نمی‌شود، مانند روزولت، تامسون، الینور، هیلاری و مایک.

شخصیت‌های نوعی

در این داستان بیش‌تر افرادی که در بخش شخصیت‌های فرعی داستان حضور دارند، شخصیت‌های نوعی به حساب می‌آیند. آن‌ها افرادی هستند که به صورت تیپ‌های کلیشه‌ای و بدون تغییر در توالی داستان حضور دارند و نماینده گروهی از مردم جامعه خود می‌باشند. مانند هیلاری، شخصیت فاسد و بی بند بار. او نماینده گروهی از زنان جامعه آمریکا است که فساد اخلاقی دارند و به اصول اخلاقی و زندگی خود پای‌بند نیستند، و یا روزولت، نماینده افراد آب زیر کاه و پنهانکار است که ظاهر و باطن آن‌ها یکی نیست.

شخصیت قالبی

درباره اعمال و رفتار برخی از شخصیت‌های این داستان واکاوی نشده و جز چند رفتار کلیشه‌ای چیز دیگری از آن‌ها در داستان دیده نمی‌شود. آن‌ها جز در قالب مسئولیتی که به آن‌ها محول شده در طول داستان بیش‌تر فعالیت نمی‌کنند. مانند فیلیپ، مولین، مارشال، مادر فیلیپ و غیره.

شخصیت فردی «شخصیت‌های هستند که در تقابل با انواع شخصیت‌ها می‌آیند و خصوصیات روانی و عاطفی مخصوص خود اوست» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). در این داستان لین و آرماند شخصیت‌های فردی با خصوصیات منحصر به فرد خودشان هستند. یکی عاشق و وطن پرست و بسیار فداکار برای میهن و دیگری عاشق و دل‌باخته برای همسر و بسیار مهربان و جسور در برابر سختی‌ها با اندیشه‌های بلند و نگاهی منتقدانه به زندگی اجتماعی دور و بر خود.

شخصیت قراردادی

«افراد شناخته شده که مرتب در نمایشنامه و داستان‌ها ظاهر می‌شود و خصوصیتی سنتی و جاافتاده دارند. شخصیت‌های قراردادی به شخصیت‌های قالبی خیلی نزدیک است و گاه تشخیص این دو از هم دشوار است» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). عمو جرج شخصیتی کاملاً سنتی که حاضر نیست از افکار قدیمی و رفتارهای سنتی خود دور شده و تفکرات امروزی دختر برادر خود را بپذیرد. این فرد نماد شخصیت‌های سنتی پیر و کم‌حوصله با افکاری بسته و تابع سنت‌ها می‌باشد.

شخصیت کلی

«شخصیت کلی شخصیتی است که اغلب جنبه عام و جهانی دارد و مظهر کلی از خصلت‌ها و صفات عامی چون شجاعت، جوانمردی، شرارت و غیره نیز می‌باشد» (میرصادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). در داستان «برخورد» با توجه به محتویات داستان که سراسر آن سیاست‌های جنگ مداری و درگیری چند کشور در جنگ آلمان‌ها با فرانسه است می‌توان رئیس جمهور آمریکا را نمادی از سیاست‌های کشور آمریکا دانست. فردی زیرک که در ظاهر خود و کشورش را مبراً از جنگ می‌داند اما به طور پنهانی کشور خود را برای جنگ مهیا می‌کند. ویژگی‌ها و رفتارهای این فرد را می‌توان نماد کلی، از سیاست‌های کشور آمریکا دانست. «آقای رئیس جمهور شما از ته دل این حرف را نمی‌زنید حتی شما تو کشور خودت دارید برای جنگ مهیا می‌شود مثلاً طراحی که در برنامه کشتیرانی ایجاد کردید یا صنایع را که به طرف تولید آهن و فولاد سوق دادید» (استیل، ۱۳۷۸: ۳۹).

دانیل استیل در رمان «برخورد» با دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم به روایت و توصیف شخصیت‌های خود پرداخته است. بسیاری از بخش‌های این داستان از طریق راوی بیان می‌شود و راوی داستان شخصیت‌ها را گزارش‌گونه بیان می‌کند. از این رو بیش‌تر شخصیت‌های داستان به همین شیوه مورد پردازش و تحلیل شخصیتی قرار گرفته‌اند. به طور مثال پس از مرگ زن آرماند در توصیف حالات روحی او اینگونه بیان می‌کند. «چند ماه اول مانند کابوس بر آرماند گذشت او همین قدر می‌توانست در حد

انجام وظایف اداری خود کار کند نه بیش از آن. علی‌رغم ضایعه اسفناکی که برای او پیش آمده بود از او انتظار می‌رفت که مقامات فرانسوی را به سانفرانسیسکو اعزام و در حد ضیافت شام دیپلماتیک هرچند مختصر پذیرایی کند» (همان: ۱۷).

یا در زمان معرفی لین به خواننده برای شناخت شخصیت درونی لین اینگونه به تصویرگری می‌پردازد: «لین از درک بسیار فراتر از سن خود برخوردار بود. به تفریحاتی که هم‌سالان‌اش به آن می‌پرداختند اعتنایی نمی‌کرد. مخصوصاً طی یک سال گذشته رشد فکری بیش‌تری از خود نشان می‌داد» (همان: ۲۱).

گفت‌وگو

بسیاری از قسمت‌های داستان «برخورد»، از زبان راوی بیان شده است. اما ما در برخی از بخش‌های آن شاهد گفت‌وگوهای مستقیم شخصیت‌های داستان با یکدیگر هستیم: «عزیزم واقعاً فکر می‌کنی جنگ به زودی در بگیری؟ البته نه برای کشور تو، عزیزم» (همان: ۱۰). «آقا خانم طبقه بالا هستند. پسرم کجاست؟ فکر کنم که اتاق خودش باشد. متشکرم» (همان: ۴۸). «پدر می‌توانیم حالا سوار شویم؟ آره پدر می‌توانیم؟ آره عزیزم» (همان: ۶۱). «برای مهمونی امشب چه لباسی بهتره بپوشم؟ هرچی دلت می‌خواد» (همان: ۷۸).

شخصیت‌پردازی به شیوه جریان سیال ذهن

واگویه کردن خاطرات گذشته برای نشان دادن شخصیت لین و شیوه آشنایی و ازدواج‌اش با آرمان در بخش جریان سیال ذهن قرار می‌گیرد، و یا در زمان یادآوری نطقی که چرچیل در پارلمان انجام داده بود. «آرماند به خوبی می‌توانست به یاد بیاورد اولین روزی که لین را با پیراهن سفید و کلاه حصیری زیبایی در کنسولگری فرانسه دیده بود که میان بزرگ‌ترها می‌لولید» (همان: ۱۱). «روز ۱۷ ماه اوت هیتلر آب‌های انگلستان را تحت محاصره خود درآورده بود و روز بیستم اوت چرچیل نطق مهیجی در پارلمان انجام داده بود» (همان: ۲۰۹).

شخصیت‌پردازی از طریق عمل و رفتار نمایشی

رفتار و امور نمایشی در طی داستان بسیار زیاد است کارهایی که نویسنده از طریق به نمایش گذاشتن آن در صدد است تا خواننده را وادار به شناخت شخصیت‌های داستان خود کند. زمانی که می‌خواهد لین را به عنوان زنی باشخصیت که دارای اندیشه‌ها و تفکرات والای انسانی است و با توجه به ثروت عظیم خود تعلق به زندگی اشرافی ندارد. آن را با شیوه لباس پوشیدن و شرکت در مهمانی و مطالعه و نوع صحبت در مهمانی رئیس‌جمهور و یا مکالمات خصوصی با آرماند به نمایش می‌گذارد. «لین در حالی که کت و دامن ساتن مشکی با شانه‌های پهن و کمر باریک بر تن داشت و آرماند همراه او بود از سیتروئن تشریفاتی سفارت پیاده شدند. الینور همیشه فروتن بود و خیلی ساده لباس می‌پوشید. اگر بهترین طراحان هم لباس و جواهرات او را طراحی کرده بودند باز هم در هنگام لباس پوشیدن مثل این بود که یک پیراهن کهنه و یک تیشرت ساده به تن و یک جفت کفش کتانی به پا دارد. اما همیشه تبسمی گرم و چهره‌ای متین و آرام و خوشایند برای دیدار داشت» (همان: ۳۷-۳۸).

شخصیت‌پردازی از طریق توصیف ظاهری

دانیل استیل در رمان «برخورد» بر خلاف بسیاری از رمان‌های خود دست از توصیف ظاهری کشیده است، و بیش‌تر با نشان دادن خصوصیات شخصیتی، خواننده را آزاد گذاشته تا هرگونه تصویری که می‌خواهند از شخصیت‌ها برای خود داشته باشد. شخصیت‌های داستان با توجه به خصوصیات درونی آن‌ها رادر ذهن خود تداعی و بیان توصیفات ظاهری را بسیار اندک و بیش‌تر به صورت کلی در نظر گرفته است. «اما خوشبختانه نوزاد خیلی زود به دنیا آمد. دختر چاق با چهره‌ای مثل فرشته، موهای طلایی با گونه‌ای گرد و دهان غنچه» (همان: ۲۹). «نیک مردی بود خوش قامت و خوش سیما» (همان: ۵۴). «لین درباره نیک بارها می‌اندیشید که چگونه آدمی است. آرام و دوست داشتنی به نظر می‌رسید. اما زیاد حرف نمی‌زد. مؤدب و اصیل به نظر می‌رسید، به همه نگاه می‌کرد اما چیزی نمی‌گفت» (همان: ۸۱). «لین دختری بود ساده، سریع، آرام و دانا» (همان: ۱۴).

شخصیت‌پردازی از طریق نام

دانیل استیل یکی از نویسندگانی است که برای شخصیت‌های خود حتی اگر قرار است در حد یک نام در جریان داستان قرار گیرد اسمی برگزیند، و از اینکه شخصیت‌های فراوان با نام‌های زیاد در طول داستان وی خودنمایی کند واهمه‌ای ندارد. او برای هر شخصیت که در جریان داستان قرار دارد نامی برمی‌گزیند و از معرفی آن به خواننده خوشنود است. اما یکی از هنرهایی که دانیل استیل از آن به نحو احسن استفاده می‌کند استفاده از نام‌ها با توجه به شخصیت افراد و قهرمانان و موقعیت اجتماعی آن‌ها است. هرچند که نمی‌توان این نظریه را برای کل شخصیت‌های موجود در داستان در نظر گرفت اما می‌توان گفت که حداقل در مورد شخصیت‌های اصلی این امر صادق است.

پروتوپ

پروتوپ‌های برجسته در این رمان پروتوپ سیاسی و طبقاتی است. فعالیت‌های سیاسی و مسأله جنگ در سرتاسر داستان کاملاً مشهود است و موضوع اصلی داستان را در بر می‌گیرد. بعد از آن می‌توان به پروتوپ طبقاتی نیز اشاره کرد. تمام افرادی که در این داستان حضور دارند از قشر ثروتمند و مرفه جامعه می‌باشد. «آقای رئیس جمهور حتماً شما از ته دل حرف نمی‌زنید شما حتی توی کشور خودتون دارید برای جنگ آماده می‌شوید» (استیل، ۱۳۷۸: ۳۹). «اگر جنگ درگیر شد روزولت قبل از پایان سال وارد جنگ خواهد شد زیرا به نفع اقتصاد آمریکا است. همیشه جنگ به نفع اقتصاد آمریکا بوده» (همان: ۴۱). «آن‌ها هم همینطور! انتظار داشتم راجع به گزارش‌های جدی بحث کند. ولی در عوض راجع به کشاورزی و مسائل اقتصادی صحبت می‌کردند و از جهت جنگ خاطر همه آسوده بود. از هیتلر ترسی نداشت» (همان: ۱۲۷).

پروتوپ طبقاتی

«دعوت شدن به کاخ سفید از جمله عوامل فخر و مباهات بود و لین چندین بار به این کاخ دعوت شده بود» (همان: ۳۷). «وقتی به عمارت سفارت رسیدند راننده آن‌ها را تا داخل عمارت همراهی کرد و مثل همیشه دو نفر نگهبان که انتظار ورود آن‌ها را

می‌کشیدند ادای احترام کردند» (همان: ۴۱). «میز غذای یازده نفره با سرویس ظروف چینی یک دست و در نوع خود بی نظیر و زیبا و سرویس کارد و چنگال و قاشق نقره‌ای اشرافی که به آن جلوه‌ای خاص داده بود محیا بود» (همان: ۳۹).

زاویه دید و شخصیت

با توجه به اهمیتی که نقش زاویه دید در اثرپذیری داستان دارد و یکی از عناصر مهم و برجسته در شکل‌گیری شخصیت پردازی در داستان به حساب می‌آید تا بتواند افکار و احساسات و عواطف شخصیت‌ها را از زوایای مختلف به تصویر بکشد. نویسنده در رمان برخورد از دیدگاه سوم شخص و یا دانای کل به داستان نظر انداخته و آن را روایت می‌کند. *دانیل/استیل* در این رمان بسیار اندک به خواننده اجازه می‌دهد تا به واکاوی شخصیت‌ها بپردازد. بیش‌تر خود وارد میدان شده و چون راویان داستان‌های کهن به روایت‌گری می‌پردازد. «آرماند هنوز به خوبی می‌توانست به یاد بیاورد اولین روزی که لین را با پیراهن سفید و کلاه حصیری زیبایی در کنسولگری فرانسه دیده بود که میان بزرگ‌ترها می‌لولید» (همان: ۱۱).

شخصیت پردازی و زمان و مکان

در رمان برخورد زمان و مکان در داستان کاملاً مشهود است. داستان با زمان حال آغاز می‌شود و پس از گذشته اندکی از مسیر داستان برگشت به گذشته دارد. نویسنده بعد از بیان اتفاقات گذشته دوباره به زمان حال بازمی‌گردد و داستان را ادامه می‌دهد. یکی از عناصر مهمی که در داستان بسیار دقیق بررسی شده عنصر زمان و مکان است. علاوه بر زمان حال و گذشته که در داستان در آن جریان دارد. آوردن دقیق تاریخ‌ها زمان‌ها و مکان‌هایی است که شخصیت‌ها در آن به نقش آفرینی می‌پردازد. مکان نیز یکی از عوامل مهم در رمان برخورد است. زیرا با توجه به موضوع داستان که جنگ کشور فرانسه و وجود نماینده آن کشور در آمریکا است. نویسنده مکان‌ها را با دقت انتخاب کرده و آن‌ها را بیان می‌کند. آرمان هنوز به خوبی می‌توانست به یاد بیاورد. «اولین روزی که لین را با پیراهن سفید و کلاه حصیری زیبا در کنسولگری فرانسه دیده بود که میان بزرگ‌ترها می‌لولید» (همان: ۱۱). «روز هفدهم ماه اوت هیتر آب‌های انگلستان را تحت

محاصره خود درآورده بود و روز بیستم چرچیل نطق مهیجی در پارلمان انجام داده بود» (همان: ۲۰۹). «نگهبان ساختمان ۸۷۵ خیابان پارک در نیویورک مؤدب و مرتب سر پست خود ایستاده بود» (همان: ۴۶). «دفتر کار نیک برنهام در خیابان وال استریت بود» (همان: ۴۷). «نیک مکان زیبایی در خیابان فرشته برای اقامت اجاره کرده بود» (همان: ۴۹).

شخصیت و موضوع

موضوع داستان، اجتماعی-سیاسی است که در آن سفیر فرانسه به عنوان یکی از قهرمانان داستان دست به مبارزه پنهانی به نفع کشور خود می‌زند و علیه نازی‌های آلمان مبارزه می‌کند. در داستان برخوردهای مختلف میان قهرمانان داستان به وجود می‌آید که درونمایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. این برخوردها بیان‌گر عشق، وطن پرستی، مبارزه و... از زبان شخصیت‌های داستان می‌باشد که بارها و بارها شنیده می‌شود.

شاخصه‌های بیرونی

شغل شخصیت‌ها

بیش‌تر شخصیت‌های داستان در زمینه امور سیاسی فعالیت می‌کنند و این امر را می‌توان در توالی داستان مشاهده کرد. حتی شخصیت‌هایی که به طور مستقیم در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیستند به طور ضمنی می‌توان آن‌ها را در این جریان‌ها مشاهده کرد. مانند لین که در کنار همسر خود بدون داشتن مسئولیت‌های سیاسی فعالیت‌های سیاسی را انجام می‌دهد. نویسنده با توجه به نوع فعالیت‌هایی که شخصیت‌های داستان مانند آرماند یا نیک انجام می‌دهد می‌خواهد حس وطن پرستی و روح مبارزه طلبی بر علیه بیگانگان را در شغل شخصیت‌ها به نمایش درآورد.

سن و شخصیت

نویسنده داستان با قرار دادن طیف سنی متفاوت در داستان بر این است تا به خواننده بفهماند که می‌توان با هر سنی در کنار هم آرامش و عشق را احساس کرد و

روح مبارزه طلبی و حس وطن پرستی ربطی به سن و سال افراد ندارد. از این رو به طور دقیق در باب شخصیت‌های مختلف، سن آن‌ها را بدون در نظر گرفتن عدم مطابقت سنی قهرمانان در کنار هم بیان کرده است و از این امر واهمه ندارد مثل ازدواج لین و آرماند. لین دختر ۲۰ ساله و آرمان مرد ۴۵ ساله که با قرار گرفتن عشق در میان آن‌ها بدون در نظر گرفتن فاصله سنی با یکدیگر ازدواج می‌کنند و یا آرماند که در سن ۶۵ سالگی دست به مبارزه بر علیه بیگانگان در کشور خود می‌زند و در این راه جان خود را فدا می‌کند. به طور کلی یکی از ویژگی‌های مهم داستان‌های *دانیال/استیل* وجود شاخص سن به طور دقیق درمان‌هایش می‌باشد. به طور مثال «پدرش ۶۸ سال بیشتر نداشت و تا آن وقت همیشه سالم و سر حال بود» (استیل، ۱۳۷۸: ۳۰). «لین حاضر به رفتن با او نشد زیرا قول داده بود مأموریتی را انجام دهد که بسیار هم پرمسئولیت بود و بالاتر از توان دختر ۱۹ ساله» (همان: ۱۸). «اکنون آرماند در همان سنی است که هریس هنگام از دست دادن همسر خود بود یعنی ۴۳ ساله» (همان: ۱۷). «روزنامه نیویورک تایمز نیز او را مهم‌ترین و جوان‌ترین شخصیت سرشناس در میان صاحبان صنایع کشور لقب داده که ۳۸ سال بیشتر نداشت» (همان).

جنس و شخصیت

غالب شخصیت‌های حاضر در رمان برخورد را مردان تشکیل می‌دهد. رمان سیاسی و اجتماعی با موضوع جنگ. هرچند قهرمان اصلی آن یک زن است اما بیش‌تر افراد و بازی‌گرانی که در این داستان نقش‌آفرینی می‌کنند مردان نیز می‌باشند که این ویژگی با در نظر گرفتن موضوع داستان امری بدیهی به شمار می‌آید.

شاخص‌های درونی

مسائل روحی و عاطفی و شخصیت

شخصیت‌های داستان از مسائل درونی خاص برخوردار هستند که هر کدام از این احساسات بیان‌گر نوع شخصیت آن‌ها در داستان و شیوه نقش‌آفرینی آن‌ها می‌باشد. خواننده به وسیله احساسات درونی آن‌ها می‌تواند پی به شخصیت آن‌ها ببرد و با آن‌ها همراه شده و در داستان احساس نزدیکی کند. در رمان برخورد اضطراب‌ها، نگرانی‌ها،

امیدها و آرزوهای قهرمانان و شخصیت‌های داستان را می‌توان به وضوح در سرتاسر داستان مشاهده کرد. زیرا موضوع داستان با توجه به اینکه تمام آن پر از اتفاقاتی است که هر لحظه سبب می‌شود فرد منتظر حادثه جدید باشد، می‌توان انواع حالات هیجانی را در آن مشاهده کرد. «لین نگاهی با اندوه به نیک انداخت و در حالی که اشکاش جاری بود گفت من می‌خواستم بمونم» (استیل، ۱۳۷۸: ۱۸۰).

نتیجه بحث

ویژگی واقع‌گرایانه *دانیل استیل* و مهارت و توانمندی او را باید در شخصیت‌پردازی‌اش جست‌وجو کرد؛ چراکه نویسنده به اقتضای شرایط داستان از هر دو شیوه شخصیت‌پردازی مستقیم و غیر مستقیم در پرداخت شخصیت‌ها استفاده نموده است. در شخصیت‌پردازی مستقیم نویسنده از دو شیوه زاویه دید نویسنده (راوی) و زاویه دید شخصیت‌ها بهره برده است. شخصیت‌پردازی مستقیم از زاویه دید نویسنده از روش‌هایی است که *دانیل استیل* بیش‌تر در پرداخت شخصیت‌های اصلی چون آرماند و در آغاز رمان از آن استفاده کرده است تا به این وسیله تغییرات رفتاری آنان را در طول رمان توجیه کند. گاهی هم شخصیت‌های رمان به‌ویژه شخصیت‌های فرعی از زاویه دید شخصیت‌های دیگر معرفی می‌شوند که در این حالت شخصیت‌ها واقعی‌تر و قابل قبول‌تر به نظر می‌رسند.

دانیل استیل در شخصیت‌پردازی غیر مستقیم نیز از شیوه‌های مختلفی از جمله شخصیت‌پردازی از طریق اعمال و رفتار، توصیف افکار و احساسات شخصیت‌ها، محیط زندگی شخصیت‌ها، نامگذاری شخصیت‌ها، گفت‌وگو و تک‌گویی درونی استفاده کرده است. او مسائل شخصیت‌های اصلی و فرعی را بیش‌تر از طریق توصیف افکار و احساسات‌شان به تصویر می‌کشد؛ و با ترسیم عواطف و احساسات درونی شخصیت‌ها مانند روان‌شناسی دقیق، علاوه بر آنکه ذهنیات آنان را برای مخاطب به نمایش می‌گذارد، با توصیف احوال و عواطف درونی آن‌ها بسیاری از حوادث و وقایع را نیز پیشگویی می‌کند. اسم‌های خاصی که نویسنده در این رمان برای شخصیت‌ها برگزیده است کاملاً متناسب با طرح و ساختار داستان است.

از مهم‌ترین مواردی که در شخصیت‌پردازی از طریق نامگذاری مورد نظر نویسنده بوده است می‌توان به نشان دادن سرنخی از درون شخصیت و کمک به تکامل طرح درونی، افشای تناقضات ظاهری و باطنی برخی از شخصیت‌ها اشاره کرد. بررسی رمان بر مبنای گفت‌وگو نشان می‌دهد که گفتارهای افراد داستان، با توجه به شخصیت واقعی آن‌ها، روحیات فردی، اجتماعی و موقعیت‌های آن‌ها صورت گرفته است. این گفت‌وگوها به نحوی است که فرد مقابل را به واکنش وامی‌دارد و این خود باعث پویایی روایت داستان می‌شود. در این رمان شخصیت‌پردازی غیر مستقیم کاربرد بیش‌تری نسبت به شخصیت‌پردازی مستقیم دارد. از میان تکنیک‌های مختلف شخصیت‌پردازی غیر مستقیم هم سه شیوه گفت‌وگو، توصیف احساسات و عواطف و نامگذاری به ترتیب بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند.

الف: جدول شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان «برخورد» دانیل استیل

فرعی	اصلی
ادویل، هریس، الیزابت، ماری آنژ، برنارد، تامسون، روزولت، الینور، مایک، جان، هیلاری، ژاک، آندره، فلیپ، عمو جرج، مادر فلیپ، جک، مولین، مارشان	لین، آرماند، نیک

ب: جدول شخصیت‌ها از نظر ایستا - پویایی و ساده - جامع بودن رمان برخورد دانیل استیل

شخصیت	ایستا	پویا	جامع	ساده
لین		*	*	
آرماند		*	*	
نیک		*	*	
عمو جرج		*		*
فلیپ	*			*
روزولت	*		*	
مادر فلیپ	*			*
هریس	*			*
الینور	*			*
الیزابت	*			*

شخصیت‌پردازی در رمان «برخورد» دانیل استیل/۴۷

*			*	ماری آنژ
*			*	برنارد
*			*	تامسون
*			*	مایک
*			*	جان
*			*	هیلاری
*			*	ژاک
*			*	آندره
*			*	جک
*			*	مولین

کتابنامه

- اخوت، احمد. ۱۳۷۳ش، *دستور زبان داستان*، اصفهان: نشر فردا.
- استیل، دانیل. ۱۳۷۸ش، *برخورد*، ترجمه فاطمه قربانپور، مشهد: نشر شمشاد.
- براهنی، رضا. ۱۳۶۲ش، *قصه نویسی*، تهران: نشر نو.
- داد، سیما. ۱۳۸۲ش، *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران: مروارید.
- دقیقیان، شیریندخت. ۱۳۷۱ش، *منشأ شخصیت در ادبیات داستانی*، بی جا: نویسنده.
- عبدالهیان، حمید. ۱۳۸۱ش، *شخصیت و شخصیت پردازی در داستان*، تهران: انتشارات آن.
- لور، کاترین. ۱۳۸۱ش، *شناخت هنر رمان*، ترجمه قلچ خانی، تهران: روزنه.
- میرصادقی، جلال و میمنت میرصادقی. ۱۳۷۷ش، *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی* (فرهنگ تفصیلی اصطلاحات ادبیات داستانی)، تهران: کتاب مهناز.
- میرصادقی، جلال. ۱۳۹۰ش، *ادبیات داستانی* (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)، تهران: سخن.
- میرصادقی، جمال. ۱۳۹۴ش، *عناصر داستان*، تهران: سخن.
- میرعابدینی، حسن. ۱۳۸۳ش، *صد سال داستان‌نویسی*، ج ۱ و ۲، تهران: چشمه.
- یونسی، ابراهیم. ۱۳۷۹ش، *هنر داستان‌نویسی*، تهران: نگاه.

Bibliography

- Steel, Daniel (1999) *Collision*, Translation by Fatemeh Ghorbanpour, Mashhad: Nasr Shamshad.
- Akhobad, Ahmad (1373) *The Grammar of the story*, Isfahan: Nesfrnda.
- Brahhani, Reza (1362) *Storytelling*, Tehran: Nashrno.
- Dad, Sima (2003) *Literature Dictionary of Literatures*, Tehran: Pearl.
- Precise, Shilindokht (1371) *Origin of personality in fiction*, unfounded: author.
- Abdolahian, Hamid (2002) *Character and characterization in the story*, Tehran: its publication.
- Laura, Catherine (2002) *Recognition of the Art of the Novel*, translation of Khalakh Khanei, Tehran: Astronomy.
- Mirsadeghi, Jalal (2011) *Fiction (tales, romances, short stories, novels)* Tehran, Speech.
- Vermont Mirsadeghi (1377) *Glossary of Art of Fiction (A Detailed Culture of Fiction Literary Terms)* Tehran: Mahnaz Book.
- Mirsadeghi, Jamal (1394), Tehran, Iran.
- Mirabedini, Hasan (2004), *One hundred years old*, 1st and 2nd, Tehran: Fountain
- Younesi, Ibrahim (2000) *Art of Fiction*, Tehran.

